

تاریخچه کاپیتولاسیون و پی آمدهای آن (قسمت یازدهم)

محمدعلی اختری^۱



۱. سردفتر بازنشسته دفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران و نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران.



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخچه کاپیتولاسیون و پی آمدهای آن (قسمت یازدهم)

اطلاعات جدید درباره کاپیتولاسیون اول

اخیراً کتاب «گیلان در جنبش مشروطه» نوشته شادروان ابراهیم فخرائی به دست نگارنده رسید که اطلاعات فراوان و مهمی درباره کاپیتولاسیون و کارگزاری‌های وزارت امور خارجه در گیلان و اقدامات آنها در آن جا آمده است.

مرحوم فخرایی می‌نویسد: با توجه به ضعف دولت‌های قاجار و بالملازمه کارگزاری‌ها و قدرت روزافزون کنسولگری‌ها و اتباع روس و ایادی و عمالشان بنام «تاجر باشی» و «اگنت» صدی نود و نه محاکمات به نفع اتباع روس فیصله می‌یافت. من باب نمونه چند فقره گزارش رسمی که از طرف کارگزار وقت میرزا آقاخان به وزارت خارجه فرستاده شده است را در کتاب خود آورده است.

گزارش شماره ۳۴۹-۱۷ ذی‌حجه ۱۳۰۶: حاجی عبدالمجید تاجر گنجه‌ای شکایت نموده است که پولی داده و خانه فتح‌الله خان را رهن نموده و در تصرف دارم، حاجی خمami حکم داده است که خانه را باید به تصرف میرعلی‌اکبر داد. چاکر عین اظهارات تاجر گنجه‌ای را به حاجی خمami پیغام کردم، و او جواب داد که خانه فتح‌الله‌خان پیش از آنکه به تاجر گنجه‌ای رهن تصرف بدهد، به من وکالت داده و من برای میرعلی‌اکبر موصوف صیغه خوانده‌ام و خانه مال میرعلی‌اکبر است. از ایشان خواستم تامیرعلی‌اکبر را بفرستند

کارگزاری، رسیدگی نمایم، در صورتی که ذی‌حق تشخیص داده شود وظیفه کارگزاری است که خانه را از ید گنجه‌ای منتزع و تحویل میرعلی‌اکبر نماید. آقا فرستادند شبانه قفل خانه را شکستند و اثاثیه میرعلی‌اکبر را به خانه ریختند. گنجه‌ای می‌گفت سند میرعلی‌اکبر ساختگی است، اگر قسم بخورد که توریه نیست من خانه را تخلیه می‌کنم. در ساعت ۵ شب گذشته حاجی عبدالمجید با لباس پاره و سر بی‌عمامه متوحشانه به کارگزاری آمده اظهار داشت قریب چهارصد نفر با چوب و چماق به خانه‌ام ریختند و اثاثیه‌ام را به کوچه انداختند، خودم را هم کتک زده می‌خواستند خدمت آقا ببرند که به زحمت زیاد از دستشان فرار کرده به اینجا آمدم.

گزارش شماره ۳۸۵ - ۱۸ ع ۲ - ۱۳۰۷: مرزبان‌خان، حاکم سابق شاندرمن، املاکی که چند سال قبل به مهر دولت، نزد خواجه اساطور بیع شرط گذشته، هذه‌السنه، بعد از عزل از حکومت، به رضایت خاطر واگذار به خواجه اساطور نموده که از محصول املاک مزبور استیفای طلب نموده، مجدداً واگذار به خود مرزبان‌خان نماید. ایالت جلیله و وزارت مالیه گیلان به اسم اینکه مرزبان‌خان باقی دیوانی دارد و باید از این املاک وصول شود، امضاء نمی‌کردند که املاک مزبور به خواجه اساطور واگذار شود. تا آنکه خواجه اساطور از وزارت جلیله امور خارجه احکام کتبی و تلگرافی آورد و بعد از گفت‌وگوی زیاد و دادن تعارف و رسوم رقم و غیره به ایالت گیلان، قبول نمودند که املاک تسلیم خواجه شود.

گزارش شماره ۳۹۳ - ۱۰ ج ۱ - ۱۳۰۷: آقا حسن، صراف تبریزی، ورشکست شده و در خانه شریعتمدار حاجی آقا رضا متحصن گردیده دو هزار و دویست تومان به تجار داخله و خارجه مقروض است. جناب امین دیوان اظهار می‌دارد که تجار خارجه متوقعند کارگزار تمام طلبشان را وصول و ایصال دارد. چاکر جواب داد مطابق عهدنامه باید به حساب ورشکست رسیدگی شود و آنچه ورشکسته دارد بالاتفاوت بین طلبکاران غرما شود. نواب والا مسعود میرزا احتساب آغاسی محرمانه برای قونسول روس پیغام داد که بیجک و تمسکات خارجه را از کارگزار گرفته به اداره احتساب بفرستد، و این کار را هم به وی رجوع کنند تا مطالبات خارجه را تمام و کمال وصول نماید، و اگر چیزی باقی بماند به طلبکارهای داخله بدهد. لذا بیجکه‌هایی که نزد چاکر بود، پس گرفته به نواب والا مسعود

میرزا احتساب آغاسی دادند.

گزارش شماره ۳۹۸: حضرت والا حسام‌السلطنه به ملاحظه اینکه قونسول روس نوشته است کارگزاری را نمی‌شناسم و مطالب خارجه باید بلاواسطه کارگزار به حکومت رجوع شود، دیگر مراجعه‌ای به کارگزاری نمی‌نماید.

گزارش شماره ۴۰۶ - ۲۹ ج ۲ - ۱۳۰۷، راجع به شیخ‌الاسلام لاهیجان: بعد از ورود مأمور حکومت و کارگزاری به لیل کوه، مباشر صبیبه آقا صالح به تحریک میرعبدالجوادخان جمعیت نموده مأمورین و آدم شیخ‌الاسلام را کتک زده از لیل کوه بیرون نموده‌اند. مراتب به عرض حضرت والا حسام‌السلطنه رسید. معلوم نیست چه اقدامی شده. میرعبدالجواد بعد از مساحت مشیرالسلطنه مالیات نمی‌دهد. املاک ورثه دریابگی را من غیر حق متصرف است و هرچه تظلم می‌کنند و از وزارت خارجه به سفارت روس مراجعه می‌شود در مقام تحقیق بر نمی‌آیند. شیخ‌الاسلام و محمدعلی آقا لیل کوهی از ترس میرعبدالجواد قادر نیستند رعیت خود را بشناسند. حالا دیگر در کمال جرأت قبض داده مالیات دیوان را بدون اجازه مباشرین دریافت می‌دارند. شاطرباشی ایالت که برای مجازات متمرّدین به لاهیجان رفته بود، از ترس مباشر صبیبه آقا صالح جرأت نکرد به لیل کوه برود.

در رمضان ۱۳۰۷ میرزا آقاخان کارگزار معزول و به جای وی میرزا موسی خان از مرکز اعزام می‌شود نامبرده در نخستین گزارشش به وزارت خارجه (۲۵ رمضان ۱۳۰۷ ه ق) ذیل شماره ۱ چنین می‌نویسد:

چون جناب مستطاب اجل افخم، امین‌السلطان، به شارژدافر روس فرموده بودند که کارگزار گیلان معزول شده و به جایش میرزا موسی خان خواهد رفت، و شما دیگر شکایت قونسول را نخواهید شنید، و جناب شارژدافر به قونسول رشت اعلام نموده، و قونسول رشت من باب لجاجت با میرزا آقاخان، به تمام تبعه خود این مراتب را گفته است، این جانب به ملاحظات فوق از قبول این سمت امتناع کردم. ولی چون کار به جایی رسیده بود که عنفاً از تهران تبعیدم می‌کردند، لذا ناچار به حرکت شدم.

توضیح آنکه وزیر مختار روس در این موقع دالگروکی و قونسول روس کماکان پاخیطائف بود.

گزارش شماره ۲۹ - ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۷ : سه يوم قبل، مأموری برای احقاق حق عارض، به سرملک حاجی محمد علی امام جمعه می‌رود. کسان آقا به سرمأمور می‌ریزند و تا می‌توانند او را می‌زنند و در نهایت افتضاح بیرون می‌کنند. گماشتگان ایالت یک نفر از اشرار را گرفته به حبس می‌برند. حاجی محمد علی امام جمعه نامه‌ای به نواب اشرف حسام‌السلطنه نوشته بود که هیچ حمای قدرت آن را ندارد که به تون تابش بنویسد. به نمک مبارک، از ملاحظه آن نوشته و ذلت و مظلومیت نواب معزی‌الیه برای فدوی رقت دست داد. در این شهر کوچک دویست نفر ملاحظه شده همه خود را مجتهد می‌دانند. هر مقصری را که به حکومت می‌برند ده رقعہ از آقایان می‌رسد، چنانچه قبول نشود شکایت می‌کنند و مردم را اغوا نموده و به بقعه و بست می‌فرستند، و اگر گوش به اظهاراتشان بدهند نظم ولایت گسیخته می‌شود. علت اینکه نواب معزی‌الیه این معایب و شرح حالات را به عرض نمی‌رسانند نمی‌دانم.

گزارش شماره ۶۳ - ۲۹ ع ۱ - ۱۳۰۸ : چهل و سه سال قبل، میرزا حسن بادکوبه‌ای، منشی قونسولگری گیلان، زن متموله‌ای را به زنی گرفت به خیال اینکه اموالش را تصاحب نماید. چند سالی با هم بودند. چون میرزا حسن عیال دیگر داشت زن جدید چندان تمکینی از او نکرد و اموالش را در اختیار او نگذاشت و میانشان متارکه شد. سی و هفت سال گذشت و حال آنکه رنگ یکدیگر را ندیدند. میرزا حسن را چند سال پیش به بادکوبه فرستادند، و ضعیفه چهار سال قبل در رشت وفات یافت. مسیو و لاسف، به محض شنیدن این خبر، بدون اطلاع حکومت و کارگزار، فرستاد چند هزار تومان اموال ضعیفه را از نقود و جواهرات و اسناد و غیره از منزل او کشیده به قونسولگری برد. وراثت زن هر قدر از تهران به گیلان آمدند و رفتند و اکثراً در همین حیص و بیصها مردند، قونسولگری صد دینار به دست کسی نداد، به اعتبار اینکه این زن یک وقتی عیال میرزا حسن، رعیت روس، بوده است. این زن اصلاً قزوینی و عیال حاجی غلامعلی، تاجر رشتی، بود، که مبالغ هنگفتی از شوهرش به او ارث رسیده و سپس به عقد میرزا حسن، منشی قونسولگری روس، درآمد بود.

گزارش مورخ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۰۹ : از آنجایی که کمپانی (مقصود شرکت شیلات است)

اغلب بارهای وارده و صادره را با نویر (نوعی قایق که از کرجی بزرگتر است) حمل و نقل می‌نماید و کرجی‌بانان انزلی، که کاسبی دیگر ندارند و معاش آنها از همین ممر تحصیل می‌شود، به ضرر بیکاری و خسارت افتاده‌اند، فی‌مابین مشارالیه‌م و کمپانی مشاجراتی روی داده، به قونسولگری شکایت شده، و قونسولگری هم به ایالت (میرزا غلامعلی نایب‌الحکومه) رجوع نموده‌اند. خود سرکار شوکت مدار قونسول با عمدة‌الامراء العظام بیگلربیگی به انزلی رفته به ضرر رعایای داخله و عزل غلامعلی نایب‌الحکومه عمل را قطع و فصل کرده‌اند.^۱

ناصرالدین شاه قاجار در ۱۲۷۹ ق ۱۸۶۲ - ۱۱۶۳ م دستور مفصلی در دو فصل راجع به دیوانخانه عدلیه عظمی «صادر کرد که فصل اول آن به کاپیتولاسیون اختصاص داشت و شقوق مختلف محاکماتی را طبقه‌بندی می‌کرد که میان اتباع ایران و اتباع خارجه اتفاق می‌افتاد و از صلاحیت وزارت عدلیه خارج و لذا مستلزم دخالت وزارت خارجه بود - براساس این فرمان وزارت خارجه برای طرح دعاوی مشمولان کاپیتولاسیون آئین‌نامه‌ای تدوین کرد که برابر آن اگر شخص مشمول کاپیتولاسیون به قضاوت دادگاه‌های ایران تن در می‌داد می‌بایستی با اطلاع سفارت دولت خود و نیز با اطلاع وزارت خارجه به دیوانخانه عدلیه عظمی مراجعه کند و اگر می‌خواست از کاپیتولاسیون استفاده کند می‌بایست منحصرأ در وزارت خارجه (بدون دخالت دیوانخانه عدلیه) طرح دعوی کند در این صورت در کمیسیون خاصی با حضور نماینده دولت، عدلیه به دعوی او رسیدگی می‌شد. در عصر قاجار نه تنها اتباع خارجی در همه پرونده‌های مدنی و تجاری در دادگاه‌های غیرایرانی در خاک ایران برابر قوانین ماهوی و شکلی دولت متبوع خود محاکمه می‌شدند، بلکه حتی در این اوضاع و احوال، متهمان ایرانی نیز از ترس تعقیب دولت متبوع خود (مأموران دولت ایران) و نیز برای رهائی از دست شاکیان و دادخواهان ایرانی، به امید جلب حمایت بیگانگان برای احقاق حقوق خود به سفارت‌خانه‌های خارجی متوسل می‌شدند.

برای مثال سر آرتور هاردینگ (وزیر مختار انگلیس) در عصر مظفرالدین‌شاه در خاطرات خود نوشته است «یکبار در عرض ماه‌های گرم تابستان که محل کار سفارت به قلپک

منتقل شده بود برای چند هفته متوالی شخصاً متوجه این منظره شدم که یک دادخواه ایرانی پیرمردی سرطاس، خود را محکم به پایه فلزی پرچم سفارت انگلیس طناب پیچ کرده است و حاضر نیست از آن جدا شود مگر اینکه اولیای سفارت دقیقاً به شکایتش رسیدگی کنند و داد او را از بیدادگران بستانند. به علاوه نه تنها سیاستمداران بلکه بسیاری از بازرگانان ایرانی نیز برای فرار از مشکلات دادرسی در ایران خود را به سفارت‌های بیگانه وا می‌بستند تا با استفاده از کاپیتولاسیون از فقدان امنیت قضایی در ایران مصون بمانند^۱ برای مثال حاجی میرزا عبدالکریم داماد فتحعلیشاه قاجار با وجود اقامت ۴۰ ساله در ایران و داشتن املاک غیرمنقول از سر اضطرار خود را تبعه انگلیس و مشمول کاپیتولاسیون معرفی کرده است. وی مبلغ کلانی به حسین خان نظام‌الدوله مقدم مراغه‌ای آجودان باشی والی فارس (همان کسی که در زمان او در فارس دعوت سیدعلی محمدباب آشکار شد و او باب را در مسجد به توبه واداشت و او را چوب زد) وام داده بود و وام او را حاج میرزا آقاسی صدراعظم محمدشاه قاجار تأیید و تضمین کرده بود - چون در آن زمان حاجی میرزا آقاسی از صدارت معزول و به عراق تبعید شده بود و آجودان باشی هم از ولایت فارس برکنار شده بود حاجی عبدالکریم پس از قطع امید از همه جا به سفارت انگلیس مراجعه تا پول خود را از دولت ایران وصول کند پس از مکاتبات بسیار بین دولت ایران و سفارت انگلیس دولت ایران به حاجی عبدالکریم پیشنهاد کرد که تابعیت انگلیسی خود را انکار کند وگرنه شاه او و تمام اعضاء خانواده‌اش را نابود می‌کند حاجی عبدالکریم هم می‌گفت که او به همین دلیل تابعیت انگلیسی را حفظ کرده است که شاه نتواند او را نابود کند.^۲

اطلاعات جدید درباره کاپیتولاسیون دوم

آیت‌الله خمینی از طریق مرحوم حاج میرزا عبدالله مجتهدی که برادرش از تبریز نماینده مجلس بود از جریان تجدید کاپیتولاسیون به سود آمریکایی‌ها که در هیچ یک از رسانه‌های داخلی و خارجی مطرح نشده بود اطلاع یافت و چند تن را مأمور یافتن اخبار

۱. پروفیسور سیدحسن امین، تاریخ حقوق ایران، چاپ ۱۳۸۲، دایرة‌المعارف ایران‌شناسی، ص ۴۱۳.

۲. همان مرجع ص ۴۱۳ و ۴۱۶.

پشت پرده این جریان کرد از آن جمله آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی به تهران آمد و با کمک سید جعفر بهبهانی از طریق یکی از نمایندگان مجلس سنا متن لایحه منصور، متن مذاکرات مجلس و جزوه کنوانسیون وین را گرفت و با اطلاعات تکمیلی که از سوی آقای ابوالفضل تولیت دریافت کرده بود به قم نزد آیت‌الله خمینی برد در نتیجه آیت‌الله خمینی سه هفته بعد از تصویب این قانون یعنی چهارم آبان ۱۳۴۳ طی نطقی در مدرسه فیضیه با اشاره صریح به محتوا و قالب این قانون و کنوانسیون وین به اصل کاپیتولاسیون دوم حمله کرد.^۱

آخرین مورد اجرای کاپیتولاسیون دوم در پرونده خانم مارتا موریس از اتباع آمریکایی مقیم تهران بود که در سال ۱۳۵۷ به اتهام قتل دو جوان ۱۴ و ۱۵ ساله در اثر رانندگی او در حال مستی تحت تعقیب بود اما پرونده او در ایران رسیدگی نشد و نامبرده به استناد قانون کاپیتولاسیون ۱۳۴۳، از محاکمه و مجازات در ایران معاف شد.^۲

مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله اولین رئیس مجلس شورای ملی در چهارراه مخبرالدوله هدف گلوله دو نفر کارگر روسی قرار گرفته به قتل رسید، قاتلین چون تبعه روسیه بودند از طریق وزارت خارجه تحویل سفارت روس شدند.^۳ این قتل در روز ۱۴/۱۱/۱۲۸۹ اتفاق افتاد و از مجازات قاتلین او خبری نشد.

در اینجا ماجرای کمیسیون‌هایی که مأمور بررسی لایحه کنوانسیون وین و کاپیتولاسیون دوم شده بود از خاطرات دکتر بوذرجمهر که در مصاحبه آقای مرتضی رسولی بیان شده می‌خوانیم:

(سؤال) موضوع مهمی که در مورد دکتر فرهنگ مهر شایسته است جناب عالی بیشتر توضیح دهید مربوط به زمانی است که سفیر وقت آمریکا پیش‌نویس قراردادی را برای دکتر علی امینی نخست وزیر فرستاد و کمک‌های آمریکا به ایران را موقوف به امضای آن نمود. منظورم پیش‌نویس قراردادی است که بعدها دولت حسنعلی منصور با عنوان لایحه الحاقی کنوانسیون وین (که در واقع به نوعی احیاء مجدد کاپیتولاسیون در ایران قلمداد

۱. پروفسور سیدحسن امین، کاپیتولاسیون در ایران، مجله حافظ، شماره ۳، خرداد ۸۳، ص ۳۷ تا ۵۴۵.

۲. پروفسور سیدحسن امین، همان به نقل از رضا گل‌پور، شنود اشباح، تهران، کلیدر، ص ۸۰ و ۷۹.

۳. روز شمار تاریخ ایران، باقر عاقلی، جلد اول، ص ۷۸.

شد) به مجلس داد. به نظر می‌رسد هشیاری اعضای کمیسیونی که این پیش‌نویس را مورد بررسی قرار دادند، به ویژه دکتر فرهنگ‌مهر، موجب شد تا در سال ۴۱ دولت ایران با آن مخالفت کند...

عرض کنم طبق اطلاعاتی که برادرم در اختیارم قرار داد، در سال ۱۳۴۱ یک روز آقای بهنیا وزیر دارایی فرهنگ‌مهر را به دفترش می‌خواند و به او می‌گوید آقای دکتر امینی نخست‌وزیر تلفن کرده که سفیر آمریکا پیش‌نویس قراردادی را برای نخست‌وزیر فرستاده و کمک مالی آمریکا به ایران را موکول به امضاء آن کرده است. نخست‌وزیر از وزیر دارایی خواسته تا در مورد آن اظهار نظر کند. وزیر دارایی هم در پاسخ گفته بود این قرارداد مربوط به وزارت خارجه است اما پیشنهاد کرده بود کمیسیونی در وزارت خارجه تشکیل دهند و قرارداد را بررسی کنند. آقای بهنیا دکتر فرهنگ‌مهر را به عنوان نماینده وزارت دارایی جهت شرکت در کمیسیون وزارت خارجه معرفی کرده بود. دو ساعت بعد، آقای جواد کوثر مدیرکل وزارت خارجه از آن وزارتخانه تلفن کرده و قرار ملاقاتی با دکتر مهر در وزارت خارجه می‌گذارد. در وزارت خارجه کمیسیونی مرکب از جواد کوثر، دکتر منوچهر آگاه رئیس کل بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی و دکتر فرهنگ‌مهر معاون وزارت دارایی پیش‌نویس قرارداد را مورد بررسی قرار داده و هر سه نفر رأی می‌دهند که این قرارداد به معنای کاپیتولاسیون است و برای ایران به هیچ وجه قابل قبول نیست. جواد کوثر از فرهنگ‌مهر خواسته بود پاسخ و نظر کمیسیون را تهیه کند چون می‌دانست که او حقوق‌دان است. او هم پاسخ را نوشت و هر سه نفر آن را امضاء کردند. دکتر مهر در بازگشت به وزارت دارایی گزارش کار را به آقای بهنیا داد. بهنیا هم فوراً به نخست‌وزیر تلفن کرد و پس از توضیح به نخست‌وزیر می‌گوید: من نظر کمیسیون را کاملاً تأیید می‌کنم و این پیشنهاد قابل قبول نیست. چند روز بعد در وزارت خارجه جلسه دوم و جلسه سوم هم با همین اعضا تشکیل شد که اعضای عالی‌رتبه سفارت آمریکا نیز در آن شرکت داشتند. نتیجه بحث در این دو کمیسیون هم همان بود که در کمیسیون نخست مطرح شده بود. رئیس استدلالات اعضای ایرانی شرکت‌کننده در کمیسیون از این قرار بود:

۱ - این قرارداد امتیازات خارج مملکتی هیأت سیاسی را به مستشاران آمریکایی تسری

می‌دهد و آنان را برای جرائمی که مرتکب شوند از صلاحیت دادگاه‌های ایران و حکومت ایران خارج می‌کند و در ایران کاپیتولاسیون برقرار می‌شود لذا پذیرفتنی نیست.

۲ - ایرانیان نسبت به کاپیتولاسیون حساسیت دارند. هنوز اثرات شوم قرارداد ننگین ترکمان چای با روسها و برقراری کاپیتولاسیون در اذهان باقی است و این امتیازات بیست و چند سال بعد به موجب اصل کامله‌الوداد در قرارداد پاریس به انگلیسی‌ها هم داده شد و نتایج ویرانگر سیاسی، قضایی و اقتصادی آن در کتابها نوشته شده است.

۳ - ابطال قرارداد کاپیتولاسیون در سال ۱۳۰۸ خورشیدی به تصویب رسید و دوباره نمی‌توان آن را برقرار ساخت.

۴ - اصرار آمریکاییها برای تصویب این قرارداد بیهوده است و جز برانگیختن دشمنی ایرانیان بر ضد آمریکا نتیجه دیگری ندارد. چندی قبل یک راننده آمریکایی یک ایرانی را زیر گرفته و ایرانی مصدوم مرده است. بعد از چند روز راننده به سفارت آمریکا تحویل داده شد. وقتی یک راننده آمریکایی از حکومت قانون ایران خارج می‌شود آیا یک مشاور بلندپایه آمریکایی را در صورتی که خلافی مرتکب شده باشد می‌توان در ایران به پای میز محاکمه کشاند.

خلاصه استدلال نمایندگان عالی‌رتبه سفارت آمریکا این بود:

۱ - آمریکا در برابر کمک‌های مالی و کارشناسی به ایران می‌خواهد مطمئن باشد کارشناسانش طبق قوانین آمریکا تأمین قضایی داشته باشند و هدف برقراری کاپیتولاسیون نیست.

۲ - آمریکا، پیش از این، قرارداد مشابهی با جمهوری آلمان غربی بسته است.

۳ - دولت آمریکا قصد دارد روابطش با ایران مبتنی بر قرارداد باشد تا در آینده مانند اتفاقی که برای راننده آمریکایی افتاد پیش نیاید و سوءتفاهم ایجاد نشود.

در برابر این استدلال، هیأت ایرانی جواب داده بود: اولاً، ما قرارداد آلمان را ندیده‌ایم و اطلاعاتی از آن نداریم؛ ثانیاً، موقعیت آلمان با ایران متفاوت است.

به هر حال، پیش‌نویس قرارداد پیشنهادی سفارت آمریکا به دولت دکتر امینی مورد